

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور استان تهران  
«مرکز تهران غرب»

پایان نامه برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد  
رشته علوم سیاسی  
گروه علوم سیاسی

ولایت فقیه و قانون اساسی

حامد عطاری

استاد راهنما: دکتر حسینعلی کریمی فیروزجایی  
استاد مشاور: دکتر سید محمدرضا محمود پناهی

شهریور ۱۳۹۳

اینجانب **حامد عطاری** دانشجوی ورودی سال ۱۳۸۹ مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی گواهی می نمایم چنانچه در پایان نامه خود از فکر، ایده و نوشته دیگری بهره گرفته ام با نقل قول مستقیم یا غیر مستقیم منبع و ماخذ آن را نیز در جای مناسب ذکر کرده ام. بدیهی است مسئولیت تمامی مطالبی که نقل قول دیگران نباشد بر عهده خویش می دانم و جوابگوی آن خواهم بود.

دانشجو تائید می نماید که مطالب مندرج در این پایان نامه نتیجه تحقیقات خودش می باشد و در صورت استفاده از نتایج دیگران مرجع آن را ذکر نموده است.

نام و نام خانوادگی دانشجو: حامد عطاری تاریخ و امضاء: ۹۳/۶/۱۸

اینجانب **حامد عطاری** دانشجوی ورودی سال ۱۳۸۹ مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی گواهی می نمایم چنانچه بر اساس مطالب پایان نامه خود اقدام به انتشار مقاله، کتاب، و نمایم ضمن مطلع نمودن استاد راهنما، با نظر ایشان نسبت به نشر مقاله، کتاب، و به صورت مشترک و با ذکر نام استاد راهنما مبادرت نمایم

نام و نام خانوادگی دانشجو: حامد عطاری تاریخ و امضاء: ۹۳/۶/۱۸

کلیه حقوق مادی مترتب از نتایج مطالعات، آزمایشات و نوآوری ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه پیام نور می باشد.

شهریور ۱۳۹۳

سپاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت های او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند. و سلام و دورد بر محمد(ص) و خاندان پاک او، طاهران معصوم (ع)، هم آنان که وجودمان وامدار وجودشان است؛ و نفرین پیوسته بر دشمنان ایشان تا روز رستاخیز...

بدون شک جایگاه و منزلت معلم، اجل از آن است که در مقام قدردانی از زحمات بی شائبه او، با زبان قاصر و دست ناتوان، چیزی بنگاریم.

اما از آنجایی که تجلیل از معلم، سپاس از انسانی است که هدف و غایت آفرینش را تامین می کند و سلامت امانت هایی را که به دستش سپرده اند، تضمین؛ بر حسب وظیفه و از باب

"من لم یشکر المنعم من المخلوقین لم یشکر الله عزّ و جلّ"

از پدر و مادر عزیزم، این دو معلم بزرگواری که همواره بر کوتاهی و درستی من، قلم عفو کشیده و کریمانه از کنار غفلت هایم گذشته اند و در تمام عرصه های زندگی یار و یابوری بی چشم داشت برای من بوده اند؛

از استاد فرزانه و بزرگوار؛ جناب آقای دکتر حسینعلی کریمی فیروزجایی که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ ننمودند و زحمت راهنمایی این رساله را بر عهده گرفتند؛ از جناب آقای دکتر سید محمدرضا محمودپناهی، که زحمت مشاوره این رساله را در حالی متقبل شدند که بدون مساعدت ایشان این پروژه به نتیجه مطلوب نمی رسید و از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر مسعود مطلبی که زحمت داوری این رساله را متقبل شدند کمال تشکر و قدردانی را دارم .

باشد که این خردترین، بخشی از زحمات آنان را سپاس گوید.

## تقدیم بہ

بہ پدرم کہ عالمانہ بہ من آموخت تا چگونه در عرصہ زندگی، ایستادگی را تجربہ نمایم

و بہ روح پاک مادرم، دریای بی کران فداکاری و عشق کہ وجودم برایش ہمہ رنج بود و وجودش برایم ہمہ مہر

و بہ ہمسر، اسطوره زندگیم، پناہ حسرتگیم و امید بودم.

## چکیده

ولایت فقیه یعنی سرپرستی مجتهد جامع شرایط در طول ولایت خدا و رسول (ص) و ائمه معصومین - علیه السلام - یعنی کسی که، از دیدگاه اسلام واجد شرایط حکومت است و از نظر علم، تقوا و مدیریت جامعه، شباهت بیشتری به معصوم (ع) دارد و می تواند حکومت تشکیل دهد، در تدبیر امور جامعه همه اختیارات امام معصوم (ع) را خواهد داشت. هیچ قانونی بدون اجازه و اعتبار او مشروعیت ندارد و هیچ کس بدون اجازه او حق اجرای قوانین را نخواهد داشت و تمام شئون حکومت با اجازه او اداره می شود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است و به عنوان عالی ترین سند حقوقی بر اساس ولایت امر و امامت مستمر، زمینه تحقق رهبری فقیه جامع شرایطی را که از طرف مردم به عنوان رهبر شناخته می شود (مجاری الامور، بیدالعلماء بالله الامناء علی حلاله و حرامه) آماده می کند تا ضامن عدم انحراف سازمان های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشند.

لذا پژوهش حاضر که یک تحقیق توصیفی تحلیلی محتوا می باشد به دنبال تبیین جایگاه ولایت فقیه و رهبری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که طی بررسی و مطالعه قرآن و روایات، کتب اسلامی فقهی و حقوقی و نظریات مختلف فقها، مراجعه به کتابخانه های دارای منابع مورد نیاز و دسته بندی مطالب در قالب چهار بخش کلیات، مبانی فقهی ولایت فقیه، ولایت فقیه در قانون اساسی و مجلس خبرگان به این نتیجه می رسد که اعتقاد به ولی فقیه با تقید به قانون اساسی تعارضی وجود ندارد. ضمن آنکه شکل رهبری در اسلام و ولایت فقیه در جمهوری اسلامی ایران، بهترین مدل حکومتی می باشد،

**کلید واژه:** ولایت، ولایت فقیه، رهبری، قانون اساسی، مشروعیت

## فهرست مطالب

	صفحه	عنوان
۱		مقدمه
۳		فصل اول: کلیات تحقیق
۴		۱-۱- بیان مساله
۵		۲-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق
۸		۳-۱- اهداف تحقیق
۸		۴-۱- سوالهای تحقیق
۹		۵-۱- فرضیه تحقیق
۹		۶-۱- تعاریف نظری مفاهیم
۱۲		۷-۱- جنبه نوآوری تحقیق
۱۲		۸-۱- پیشینه تحقیق
۲۱		۹-۱- روش تحقیق
۲۱		۱۰-۱- جامعه و نمونه آماری
۲۲		۱۱-۱- روش و نحوه جمع آوری اطلاعات
۲۲		۱۲-۱- روش تجزیه و تحلیل داده ها
۲۳		۱۳-۱- ساختار تحقیق
۲۴		۲- فصل دوم: مبانی فقهی ولایت فقیه
۲۵		۱-۲- مقدمه

۲۷	۲-۲- سیر تاریخی
۳۰	۳-۲- ولایت فقیه، بحثی فقهی یا کلامی
۳۱	۱-۳-۲- کلامی بودن ولایت فقیه
۳۲	۴-۲- مبانی مشروعیت ولایت فقیه
۳۶	۱-۴-۲- دلایل نقلی بر ولایت فقیه
۴۰	۲-۴-۲- دلیل عقلی بر ولایت فقیه
۴۱	۳-۴-۲- دلیل تلفیقی بر ولایت فقیه
۴۲	۵-۲- شرایط و موانع اعمال ولایت
۴۴	۳- فصل سوم: ولایت فقیه در قانون اساسی
۴۵	۱-۳- حکومت
۴۷	۲-۳- شرایط و موانع رهبری در قانون اساسی
۴۸	۱-۲-۳- شرایط رهبری
۵۰	۲-۲-۳- موانع رهبری
۵۱	۳-۳- حیطه اختیارات رهبری در قانون اساسی
۵۳	۱-۳-۳- اختیارات ولی فقیه
۵۷	۱-۱-۳-۳- مصلحت
۶۱	۲-۱-۳-۳- حکم حکومتی
۶۵	۴-۳- فردی یا شورایی بودن رهبری
۶۷	۵-۳- انتصابی یا انتخابی بودن رهبری



۶۹	۳-۵-۱- نظریه انتخاب
۷۰	۳-۵-۲- نظریه انتصاب
۷۲	۳-۵-۳- اصول مشترک دو نظریه
۷۳	۳-۵-۴- تفاوت دو نظریه
۷۶	۳-۵-۵- ولایت انتصابی
۷۹	۳-۶-۶- دائمی یا موقت بودن رهبری
۸۱	۳-۶-۱- مدت دار بودن دوره ی رهبری و ولایت فقیه
۸۵	۴- فصل چهارم: مجلس خبرگان رهبری
۸۷	۴-۱- ارکان عالیه مجلس خبرگان رهبری
۸۹	۴-۲- وظایف مجلس خبرگان رهبری
۹۳	۴-۳- اشکال دور در خبرگان رهبری
۹۶	۵- فصل پنجم: جمع بندی و نتیجه گیری
۱۰۵	فهرست منابع
۱۰۹	چکیده انگلیسی

## مقدمه

در نظام توحیدی اسلام که نظام عدل است، رهبری از مفاهیم بنیادی است که قرآن در بخش های مختلف با استفاده از روش های گوناگون به توضیح و تبیین آن پرداخته و رعایت و پایبندی به آن را مورد تایید قرار داده و رفتار مخالف با آن درست به معنای پایمال کردن و نادیده گرفتن قوانین هستی است که آفریدگار تعیین فرموده است. در اندیشه شیعی، رهبری یکی از اصول اعتقادی شیعیان است که علاوه بر عرصه ی خداشناسی و صفات الهی، بازتاب های مهمی در عرصه های سیاسی و اجتماعی دارد. اگر ارزش های متعالی چون عدالت و ولایت، که فلسفه وجودی حکومت است دنبال نشود، دلیلی بر تداوم آن وجود ندارد. در این بینش حکومت ابزار و فرصتی است برای نیل به اهداف متعالی انسانی و اسلامی، و حکومت به خودی خود شان و ارزش نیست و اساساً علت سپردن حکومت به انسان های وارسته نیز همین است تا از قدرت و حکومت، برای تحقق ارزش ها استفاده شود.

اهتمام به موضوع عدالت و ولایت به عنوان یکی از آرمان های اصلی انقلاب اسلامی که در شعارهای محوری مردم ایران نیز متجلی گشت، چنان بود که تدوین کنندگان را وادار ساخت تا در مواضع مهمی از فصول قانون اساسی بدان تصریح نمایند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی بوده، در جای جای آن از آرمان ها و ارزش های عدالت، برابری و مساوات حمایت شده و اصول این قانون با هدف تامین حقوق مردم و تحقق عدالت تنظیم گردیده و به عدالت و ولایت نه به عنوان امری متغیر و تابع، بلکه به عنوان امری ثابت و محوری نگریسته شده است و اگر همه نهادهای کشور خود را به رعایت لوازم و روح آرمان های اعلام شده، ملتزم بدانند، بدون تردید از دامنه سلطه گری ها، استعمارها و انحصارها کاسته و جامعه به تعادل مطلوب نزدیک می شود. مکتب تشیع با اعتقاد به امامت گره خورده است.

امامت، در حقیقت، ادامه مدیریت صحیح اجتماعات بشری است. در بند ۵ اصل دوم قانون اساسی اعتقاد به امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی مورد تایید قرار گرفته و بدین ترتیب، زمان حضور تا زمان غیبت امام زمان(عج) را نیازمند و مشمول رهبری دانسته است. تامین نهاد رهبری در جامعه بدان معنا است که مجاری امور در دست فقیه جامع الشرایط قرار گیرد که با تشخیص حلال و حرام، ضامن عدم انحراف سازمان های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشد. (ورعی، ۱۳۸۵: ۲۹) و به این منظور است که قوای حاکم (مقننه، مجریه و قضاییه) زیر نظر ولایت

امر قرار می گیرند. رهبری در نظام حکومت جمهوری اسلامی ایران از جایگاه خاصی برخوردار است و ارکان نظام، مشروعیت خود را از ناحیه رهبری کسب می کنند. از همین روی، رهبری، به عنوان ناظری آگاه که هم از توانمندی ها، استعدادها و امکانات قوای سه گانه مطلع است و هم به طرق مختلف از خواسته ها و مطالبات جامعه با خبر می شود، مجموعه دستگاه های نظام را به سمت حل مشکلات جامعه هدایت می کند. از طرفی بر تمام ولایت مداران روشن و آشکار است که ولایت فقیه استمرار ولایت امامان معصوم (ع) است که برای حیات اجتماعی و سیاسی امت، از سوی شارع مقدس تشریح گردیده و ائمه معصومین (ع) بر آن تاکید ورزیده و بدین ترتیب جامعه اسلامی را از سرگردانی و حیرت رهایی بخشیده است. امام خمینی (ره) معمار انقلاب اسلامی، که احیاگر اصل ولایت فقیه در عصر ما بود در این خصوص فرمودند: ولایت فقیه برای مسلمین یک هدیه ای است که خدای تبارک و تعالی داده است. (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۱: ۶۸) از این روی، در قانون اساسی جایگاه ولایت و حدود اختیارات مربوط به ولی فقیه مشخص گردیده که با حفظ آن حدود، وحدت امت تحقق خواهد یافت و هماهنگی قوای سه گانه شکل خواهد گرفت و اقتدار کشور حفظ و امنیت درون مرزی و برون مرزی تأمین خواهد شد و با وجود آن آسیبی به کشور نخواهد رسید. در حالی که اگر ولایت فقیه نادیده گرفته شود و تزلزلی در این اصل پدید آید همان نقطه، آغاز آشوب و اختلاف و سرانجام اضمحلال کشور و جنگ داخلی و هجوم خارجی است. در حقیقت ولایت فقیه عمود نظام و رأس هرم فرماندهی و هدایت و تصمیم گیری است که دولت و ملت را زیر پوشش دارد. اگر کشور ما توانست غل و زنجیرهای استبداد را بگسلد و به سلطه استعماری پایان دهد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در برابر انواع خصومت ها و توطئه های نظامی، اقتصادی و فرهنگی و سیاسی چون کوه، استوار مقاومت کند و استکبار جهانی به سردمداری شیطان بزرگ آمریکا را در اقیانوس پرتلاطم زمان و زمین، از سر بگذراند و باثبات ترین کشور جهان اسلام قلمداد شود، همه و همه به برکت ولایت فقیه و رهبری امام راحل (ره) و پس از ایشان مقام معظم رهبری (مد ظله) است و این همان چیزی است که دشمن به خوبی دریافته و حملات خود و مزدوران خود را بر آن متمرکز ساخته تا به این دژ پولادین آسیب رساند. پس نباید از توطئه علیه ولایت فقیه غافل ماند و مانند سربازی جان برکف در جنگ نرم از مقام ولایت، با بصیرت و آگاهی دفاع کرد که آگاهانه وارد شدن در این عرصه و دفاع جانانه از ولایت در این میدان از مهمترین نشانه های بیداری و دفاع امت اسلامی است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۰۸)

## فصل اول

# کلیات تحقیق

## فصل اول: کلیات تحقیق:

### ۱- بیان مسئله

یکی از مباحثی که از زمان غیبت امام زمان (عج) به عنوان یک بحث فقهی، کلامی، سیاسی و اجتماعی مورد بحث علماء و دانشمندان بوده و با استفاده از متون دینی همچون قرآن و سنت در نوشته های ایشان آورده شده و مورد بحث و نقد قرار گرفته، رهبری و ولایت جامعه اسلامی می باشد که تا قبل از حکومت اسلامی و تشکیل آن، جایگاه واقعی این قسمت از فقه، کلام و حقوق اسلامی احیا نشده بود و صرفاً همچون فرعی از فروع احکام بیان می گردید. ولی امروزه در محافل گوناگون از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار شده و محققان و دانشمندان دیگر کشورها نیز به تحلیل و بررسی این نظریه (نظریه ولی فقیه و رهبری) و نظام مبتنی بر آن پرداخته اند.

مابین پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و اصل ولایت فقیه از حیث حاصل و محصول، تاثیر و تاثر متقابل وجود دارد. به این معنا که انقلاب اسلامی ثمره اعتقاد مردم به ولایت فقیه بوده و عالی ترین ثمره، اعتبار قانونی بخشیدن به آن است، در قالب اصول مرتبط با رهبری و ولایت فقیه و اختیارات (وظایف، تکالیف و شرایط).

در این میان سئوالات و شبهاتی در پیرامون این نظریه به وجود آمده که بررسی و پاسخ به آن بر توسعه و غنای بحث افزوده است.

اما سوال اصلی در این پژوهش عبارت است: از وظایف، اختیارات و جایگاه ولی فقیه و رهبری در قانون اساسی کدام است؟

در اینجا محقق با توجه به سوال اصلی تحقیق، در پی تبیین سئوالات دیگری همچون موارد ذیل می باشد:

- ۱- مبانی مشروعیت ولایت فقیه چیست؟
- ۲- شرایط و موانع اعمال ولایت کدام است؟
- ۳- شرایط، موانع و اختیارات رهبری در قانون اساسی چه می باشد؟
- ۴- اعتقاد به ولایت فقیه با تقید به قانون اساسی چه منافاتی با هم دارد؟
- ۵- مبانی ولایت فقیه در قانون اساسی چه می باشد؟

که با تحلیل محتوایی و مفهومی موارد فوق و ایجاد ارتباط معنایی در پی پاسخ به سوال اصلی پژوهش می باشد. با توجه به مطالب بیان شده، پژوهش حاضر در پی تبیین و بررسی جایگاه ولایت فقیه و اصل رهبری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می باشد.

## ۱-۴ اهمیت و ضرورت تحقیق

نظام ما که بیش از دو دهه از عمر آن می گذرد و به بهای خون های پاک هزاران انسان شریف و فداکار بدست آمده، نظامی است که اسلامی بودن، ویژگی اصلی و ممتاز آن است. برای برپایی این نظام، عوامل و شرایط متعددی مؤثر بوده ولی محور همه آنها را علاقه به اسلام تشکیل می دهد و طبعاً بقای آن هم به عنوان یک نظام اسلامی در صورتی امکان پذیر خواهد بود که این خصیصه همچنان محفوظ بماند. یک نظام اجتماعی و سیاسی هنگامی ویژگی اسلامی خواهد داشت که در دو بعد «قانون گذاری» و «اجرا» مبتنی بر اصول و ارزش های اسلامی باشد. و این خصیصه وقتی باقی می ماند که مردم جامعه و کسانی که این نظام را می پذیرند معتقد به عقاید اسلامی و پای بند به ارزش های اسلام باشند. اگر خدای ناخواسته تدریجاً عقاید و افکار اسلامی در جامعه فراموش شود و یا در محتوایش انحرافی پدید آید؛ و یا در بُعد ارزشی، مردم ارزش های بنیادی اسلام را فراموش کنند و گرایش های انحرافی رخ نماید، رفته رفته پایه های نظام اسلامی سست خواهد شد و هیچ ضمانتی برای بقای آن در دراز مدت وجود نخواهد داشت. البته ممکن است اسم اسلام مدت ها باقی بماند ولی محتوا و حقیقت آن فراموش خواهد شد. و این تجربه ای است که جامعه اسلامی در صدر اسلام شاهد آن بوده است، یعنی بعد از رحلت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) طولی نکشید که نظام الهی و اسلامی تبدیل به یک حکومت طاغوتی و سلطنتی اموی و عباسی شد و تنها، نامی از اسلام وجود داشت. ولی هم عقاید اسلامی دست خوش انحراف شده بود و هم ارزش های اسلامی فراموش گشته بود و این وضع در دستگاه حکومت، اسف بارتر بود. این تجربه تلخ باید درس عبرتی بزرگ برای ما باشد. چهارده قرن گذشت تا مجدداً انقلاب دیگری با سرمشق گرفتن از انقلاب الهی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در عالم پدید آمد و یک نظام اجتماعی - سیاسی نویی را، مبتنی بر اصول اسلامی پی ریزی کرد. ولی باید بدانیم همچنان که اولین نظام اسلامی و انقلاب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مصون از آفات نبود و طولی نکشید که عملاً انحرافات در جامعه پدید آمد، این انقلاب هم مصونیت قطعی نخواهد داشت، مگر این که از گذشته عبرت بگیریم و مردم مسلمان برای حفظ این نظام جدّیت کافی به خرج دهند و علاقه مندی آنان به عقاید و ارزش های اسلامی آنچنان باشد که

در مقابل همه عوامل و آفات مقاومت کرده و از جان و مال مایه بگذارند تا این نظام اسلامی مقدّس را حفظ کنند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۵۷) ممکن است سؤال شود که انحراف از کجا می‌تواند آغاز شود؟ در پاسخ می‌گوییم انحراف ابتدا در زمینه شناخت های مردم پدید می‌آید. یعنی آن جایی که مردم از شناخت صحیح نسبت به مبانی و اصول اسلامی غفلت می‌کنند و آگاهی آنها کم می‌شود، دست های شیطنت آمیز مشغول به کار شده و افکار نادرستی را بجای معارف اسلام ترویج می‌نمایند و با آب و رنگ اسلامی و بکارگیری شگردها و ابزارهای تبلیغاتی به تدریج افکار مردم را از مسیر صحیح منحرف می‌کنند. بنابراین کسانی که به این انقلاب علاقه دارند و نگران هستند که مبدا این انقلاب، دچار آفاتی شود، باید با کمال هوشیاری درصدد حفظ افکار و عقاید اسلامی مردم باشند و از هرگونه آفتی که موجب انحراف فکری و عقیدتی می‌شود جداً جلوگیری نمایند.

راه جلوگیری از این آفات هم این نیست که از طرح افکار و عقاید دیگران بطور کلی ممانعت شود زیرا هیچ گاه نمی‌توان، دور ذهن‌ها را حصار کشید تا افکار انحرافی به درون ذهن مردم راه پیدا نکند. شبهات القا می‌شود و مطالب انحرافی طرح می‌گردد و در نتیجه افکار و اندیشه های غلط، خواه ناخواه به اذهان مردم راه پیدا می‌کند. راه درست و اصولی مبارزه با آفات فکری و عقیدتی این است که مردم از نظر مبانی فکری و شناخت اسلامی آنچنان تقویت شوند که افکار انحرافی در آنها اثر نگذارند و از جنبه آگاهی دینی و عقیدتی آن چنان قوی باشند که تحت تأثیر شبهات واقع نشوند و بالاتر، بتوانند شبهه‌ها را هم پاسخ بگویند. در همین رابطه یکی از مهم ترین مسائلی که باید در جامعه و در سطح وسیع مطرح و حل شود مسأله «اصل مشروعیت این نظام» و به عبارت دیگر مسأله «حکومت اسلامی» است. (همان: ۷۲)

انقلاب ما برای برقراری حکومت اسلامی بود ولی تصویری که مردم ما از حکومت اسلامی داشتند یک تصویر کلی و مبهم بود و این تصویر کلی و مبهم گرچه برای تغییر نظام و سرنگونی طاغوت کافی بود اما برای این که نظام اسلامی را دقیقاً پیاده و حفظ کند و به یاری خداوند متعال قرن‌ها این فکر را در دل های مردم و نسل های آینده زنده نگه دارد، کافی نیست. باید تلاش کرد این مفاهیم روشن تر شود و مردم تصوّر صحیح تر و دقیق تری از حکومت اسلامی داشته باشند و ضرورت آن را درک کنند تا بتوانند در مقابل مکاتب و نظریات مخالف از اندیشه های خود دفاع نمایند و تنها به شعار اکتفا نکنند. از طرفی احکام اسلامی، اعم از قوانین اقتصادی، سیاسی و حقوقی و... تا روز قیامت باقی و لازم الاجراست، هیچ یک از احکام الهی نسخ نشده و از بین نخواهد رفت. این بقا و دوام همیشگی احکام، نظامی را ایجاب می‌کند که ضمانت اجرایی را برای احکام اسلامی تضمین کرده و عهده دار اجرای آنها شود. باتوجه به اینکه حفظ نظام جامعه از واجبات مورد تاکید شرایع

الهی و بی‌نظمی و پریشانی امور مسلمانان نیز در نزد خدا و خلق، امری نکوهیده و ناپسند است و پر واضح است که حفظ نظم و سیر طریق در مسیر قرب الهی، جز با استقرار حکومت اسلامی، در جامعه تحقق نمی‌پذیرد، لذا هیچ تردیدی در لزوم اقامه حکومت مبتنی بر احکام اسلام باقی نمی‌ماند. در حدیثی از پیامبر (ص) نیز به سیاسی بودن احکام اسلامی تصریح شده است و پیامبر (ص) در آن حدیث رابطه دین و سیاست را این‌گونه بیان می‌دارند و می‌فرمایند «الدین و الدوله توامان». آری همان دلایلی که لزوم امامت پس از نبوت را اثبات می‌کند، عیناً، لزوم حکومت در دوران غیبت حضرت ولی عصر (عج) را در بر دارد. آری، لزوم حکومت به منظور بسط عدالت و تعلیم و تربیت و حفظ نظام جامعه و رفع ظلم و حراست مرزهای کشور و جلوگیری از تجاوز بیگانگان، از بدیهی‌ترین امور است، بی‌آنکه بین زمان حضور و غیبت امام و این کشور و آن کشور فرقی باشد.

در نظریات مختلفی که درباره حکومت گفته شده است به ضرورت وجود حکومت در جامعه اعتراف شده است. برخی در نیاز جامعه به والی و سرپرست تردید دارند. این عده یا از افراد لجام‌گسیخته‌ای هستند که خواهان هر نوع آزادی بوده، و به هیچ حساب و کتابی تن در نمی‌دهند و یا در زمره اشاری‌ها هستند که از نظم و محاسبه در هراسند، و یا از کسانی هستند که از حکومتها ستمهای فراوان دیده‌اند، و یا این‌که از آنانند که از حکومت طرفی‌نسته‌اند.

تنها مکاتب «آنارشیسم» و «کمونیسم» منکر ضرورت وجود حکومت است. آنها معتقدند بشر می‌تواند با اصول اخلاقی، زندگی اجتماعی خویش را اداره کند و نیازی به حکومت نیست. اما تفاوت میان آنها در این نکته است که کمونیستها معتقدند باید آنچه‌انحراف حرکت کرد که به این نتیجه رسید، یعنی باید مردم از چنان تعلیم و تربیتی دارا باشند که بدون نیاز به حکومت، جامعه را اداره کنند، یعنی در واقع حذف تدریجی حکومت از زندگی اجتماعی مورد نظر آنهاست ولی آنارشیستها معتقدند که حکومت به یکباره باید از زندگی اجتماعی مردم کنار گذاشته شود. (همان: ۸۹) مکاتب دیگر، این نظریه را منافی با واقعیات و به تعبیری آنرا غیر واقع‌بنیانه می‌دانند. در طول قرن‌ها و بلکه هزاران سال تجربه نشان داده است در هر جامعه‌ای افرادی هستند که به قوانین اخلاقی ملتزم نیستند و اگر قدرتی آنان را مهار نکند زندگی اجتماعی را به هرج و مرج می‌کشند، پس حکومت در جوامع انسانی برای رشد انسان و رسیدن او به کمال و یا حتی برای رسیدن او به آرامش ظاهری امری لازم و ضروری جلوه می‌کند. از طرفی زندگی اجتماعی بدون نظم و نظامی که هماهنگ‌کننده رفتارهای مختلف باشد، و بدون والی و سرپرستی که پاسدار این نظام باشد، شکل نخواهد گرفت.



متنها این سرپرست یا فرد است و یا گروه، و نحوه سرپرستی نیز یا به مشورت است و یا به غیر آن. پس جامعه بدون والی و سرپرستی که کارهای جامعه را هماهنگ سازد، و قوانین فردی و اجتماعی را تنظیم و اجراء نماید، قوام و دوام نخواهد یافت.

جمهوری اسلامی با وعده ی گسترش عدالت در تمامی عرصه ها شکل گرفت و مبنای آن بر پایه عدالت نهاده شد و اکنون که بیش از سه دهه از تشکیل نظام جمهوری اسلامی می گذرد و به جهت اهمیت ویژه ی موضوع رهبری و به منظور آشنایی با ظرفیت های قانون اساسی در بعد عدالت و تحقق عملی آن، نیاز به تحقیق پیرامون این موضوع بیشتر احساس می شود.

### **۱-۳- اهداف تحقیق**

در شروع تحقیق، قبل از هر گونه مطالعه و برآوردی باید هدف محقق از مسئله ای که برای مطالعه انتخاب کرده، روشن شود. ابهام در موضوع تحقیق، موجب خواهد شد طی تحقیق و پس از آن، نتایج رضایت بخش نبوده و محقق نداند به کدام سمتی گام بردارد.

#### **هدف کلی:**

- تبیین و بررسی جایگاه ولایت فقیه و اصل رهبری در قانون اساسی جمهوری اسلامی

#### **اهداف فرعی:**

- پاسخ به شبهات در خصوص جایگاه ولایت فقیه و اصل رهبری در قانون اساسی
- تبیین الگوی مفهومی از جایگاه ولایت فقیه و اصل رهبری در قانون اساسی
- تبیین وظایف و اختیارات رهبری در قانون اساسی
- بررسی مبانی مشروعیت ولایت فقیه

### **۱-۴- سوال های تحقیق:**

با توجه به اینکه این تحقیق در جهت تبیین و بررسی جایگاه ولایت فقیه و اصل رهبری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می باشد لذا شامل سوال بوده و به دنبال پاسخگویی به برخی سوالات می باشد.

#### **سوال اصلی:**

وظایف، اختیارات و جایگاه ولی فقیه و رهبری در قانون اساسی کدام است؟

#### **سوال های فرعی:**

- ۱- مبانی مشروعیت ولایت فقیه چیست؟
- ۲- شرایط و موانع اعمال ولایت کدام است؟
- ۳- شرایط، موانع و اختیارات رهبری در قانون اساسی چه می باشد؟
- ۴- اعتقاد به ولایت فقیه با تقید به قانون اساسی چه منافاتی با هم دارد؟
- ۵- ابزارهای مهار قدرت رهبری و ولایت فقیه در قانون اساسی کدام است؟

### ۱-۵- فرضیه تحقیق:

فرضیه چیست؟ فرضیه عبارت است از قضاوت های ذهنی در مورد روابط بین عوامل مختلف، که عینی نیست و صرفاً به صورت نظری است، در حقیقت فرضیه یک نظر یا ایده است که رابطه بین متغیرها را بیان می کند.

#### فرضیه اصلی:

وظایف، اختیارات و جایگاه ولی فقیه در قانون اساسی بر اساس مبانی فقهی و حقوقی می باشد.

#### فرضیه های فرعی:

- ۱- ولایت فقیه دارای مشروعیت الهی است.
- ۲- اعتقاد به ولایت فقیه با تقید به قانون اساسی منافاتی ندارد.
- ۳- مبنای ولایت فقیه در قانون اساسی مشخص است.
- ۴- شرایط، موانع و اختیارات رهبری در قانون اساسی بر اساس مبانی فقهی می باشد.

### ۱-۶- تعاریف نظری مفاهیم:

**ولایت:** راغب اصفهانی در المفردات در خصوص کلمه ولایت می نویسد: ریشه لغوی آن "ولی" به معنای قرب، اتصال و پیوند دو یا چند شیء است که از پیوند عمیق دو شیء ولایت پدید می آید. ولایت به ولایت تکوینی و تشریحی تقسیم می شود. معنای اصطلاحی ولایت عبارت است از: تصدی امر و اداره حکومت. (نوروزی، ۱۳۷۹: ۱۸۷)

**ولایت فقیه:** ولایت فقیه یعنی، رهبری سیاسی جامعه اسلامی به وسیله فقیه عادل و با تقوا و دارای شرایط لازم رهبری. (آملی، ۱۳۸۵: ۱۲۳)

- ولایت فقیه، همان ولایت رسول الله است قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد. ولایت فقیه چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است و همان ولایت رسول الله (ص) است. (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۱: ۲۶)

**رهبری<sup>۱</sup>**: پتر درکر در کتاب "رهبر آینده" رهبری را چنین خلاصه می کند: یگانه تعریف رهبر اینست که کسی که پیرو داشت، رهبر است. برای داشتن پیرو، نفوذ و اعتبار لازم است.

- تعریف رهبری از نگاه **وارن بنیس**: رهبری یک فعالیت برای شناخت خود است، رهبری داشتن یک دیدگاه است که به شکل بسیار خوب به دیگران تفهیم شده باشد، ایجاد اعتماد میان همکاران است، گرفتن اقدامات موثر بمنظور درک توانائی ها و استعداد های رهبری خود است.

- فرآیند نفوذ در دیگران و برانگیختن آنها برای همکاری با یکدیگر در جهت تحقق هدف های گروهی را «رهبری» می گویند. یا می توان گفت: رهبری استفاده از فرآیند ارتباطات در موقعیتی خاص برای اعمال نفوذ در میان افراد و جهت دادن آنها به سوی مقاصد مشخص است. و یا رهبری فرآیند نفوذ در دیگران است به طوری که آنها با اشتیاق و جدیت در دستیابی به اهداف سازمانی تلاش نمایند. «رهبری» را اصولاً «هنر نفوذ در دیگران» می دانند. بدین معنی که پیروان به دلخواه نه از روی اجبار، از رهبر اطاعت می کنند. (هشام، ۱۳۸۱: ۵۴)

**قانون اساسی<sup>۲</sup>**: قانونی است که اصول و مقررات نظام حکومتی، چگونگی حکومت و حدود و اختیارات آن، اساس قوای اداره کننده کشور و حقوق و وظایف افراد را معین می سازد. قانون اساسی قانون تعیین کننده نظام حاکم است، قانونی که مشخص می کند قدرت در کجا متمرکز است، روابط این قدرت حاکم با آزادی ها و حقوق افراد ملت چگونه است و این قوای حاکمه اعم از؛ قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضائیه چه اقتدارات و مسئولیت هایی در برابر ملت دارند.

علاوه بر این قانون اساسی مضامینی مانند پرچم، سرود ملی، نشان ملی، پایتخت کشور و اصول حاکم بر سیاست های اقتصادی، برنامه های فرهنگی و روابط خارجی کشور را مورد توجه قرار می دهد. قانون اساسی عالی ترین سند حقوقی یک کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر است. هیچ قانون و مقرراتی نباید با قانون اساسی مغایرت داشته باشد. (شهید بهشتی، ۱۳۷۷: ۲۰)

---

<sup>1</sup>. leadership

<sup>2</sup>. Constitution

مشروعیت<sup>۱</sup>: مشروعیت به لحاظ لغوی در فارسی و عربی به معنای مطابقت با احکام شرع و دین است؛ اما در انگلیسی و در کاربرد آن در علم سیاست، معادل واژه *legitimacy* است که هم ریشه‌ی کلماتی مانند *legal* (قانونی)، *legislation* (قانون‌گذاری) و *legislator* (قانون‌گذار) می‌باشد. بنابراین به معنای قانونی بودن و حقانیت است. به این معنا که حاکمان حق دارند بر مردم حکمرانی کنند و مردم نیز باید از آنان اطاعت نمایند. بنابراین مشروعیت ارتباط نزدیکی با مفهوم تعهد و التزام به فرمانبرداری دارد. (بشیریه، ۱۳۷۱: ۶۸)

- ماتی‌ه دوگان، فیلسوف معاصر فرانسوی در تعریف مشروعیت می‌نویسد: «مشروعیت باور به این امر است که اقتدار حاکم بر هر کشور حق دارد که فرمان صادر کند و شهروندان نیز موظفند به آن گردن نهند» (دوگان، ۱۳۷۴: ۴)

- عبدالحمید ابوالحمد نیز مشروعیت را باوری می‌داند که بر اساس آن حق فرمان دادن برای رهبران و وظیفه‌ی فرمان بردن برای شهروندان محقق می‌شود. (عبدالحمید، ۱۳۵۳: ۲۴۵)

- این واژه در فلسفه سیاسی به معنای حقّ حکومت است. به تعبیر دیگر، مشروعیت، توجیه عقلی اعمال قدرت حاکم و قبول و اطاعت از حاکمیت وی از سوی مردم است. لذا، معنای مشروعیت در مباحث سیاسی تقریباً مترادف (قانونی بودن) است. مشروعیتی که اغلب در حکومت‌های غیر اسلامی و غربی مطرح می‌شود به معنای همین (قانونی بودن) است. اما در فرهنگ اسلامی، مشروعیت به دو اعتبار به کار رفته است: یکی به معنای اموری که شارع وضع کرده است؛ و دیگری به معنای مصطلح و رایج در متون جامعه‌شناسی است که محقق و معتبر بودن یک حاکم از آن فهمیده می‌شود و نیز در تعریف مشروعیت گفته‌اند: یعنی کسی حق حاکمیت و در دست گرفتن قدرت و حکومت را داشته باشد، و مردم وظیفه خواهند داشت از آن حاکم اطاعت کنند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۱۰)

به نظر نویسنده تعریف آخر جامعیت بیشتری دارد چرا که مشروعیت در اندیشه سیاسی اسلام (فلسفه، کلام و فقه اسلامی)، به معنای مطابقت با موازین و آموزه‌های شریعت اسلام است، یعنی حکومت و حاکمی مشروع است که پایگاه دینی داشته باشد. بر این اساس، حکومتی که پایبند به موازین شرعی و الهی باشد، حقانیت دارد.

---

<sup>۱</sup>. *legitimacy*